

LITERARY STUDIES OF ISLAMIC TEXT *Biannual*

Vol. 1, No. 2, Fall & Winter 2022

A Discourse Analysis of Surah Al-Jathiyah Based on Searle's Speech Act Theory *Mohammad Sharafi Seyyed Mehdi Masbouq **Abstract**

Speech act theory seeks to analyze texts by examining the unique structure of their discourse. The theory was initially proposed by J.L. Austin and later developed by John Searle, who categorized speech acts into five types: assertives, directives, expressives, commissives, and declarations.

Applying this theory to the Qur'an can provide a deeper understanding of its implicit layers and messages.

Surah Al-Jathiyah, a Meccan chapter, not only conveys religious and moral teachings but also displays a strong linguistic structure. This study analyzes the chapter through the lens of speech act theory, focusing on its context and thematic content.

Findings reveal that some speech segments carry multiple speech acts simultaneously. The frequent use of directive and assertive speech acts is justified, as the surah aims to explain monotheism, warn disbelievers, and issue guidance.

Directive speech acts are used to encourage belief in monotheism and to warn wrongdoers.

Assertive speech acts affirm the truths of existence, divine unity, human deeds, and enlightenment, often through comparative methods.

Expressive speech acts are employed to evoke emotional responses from the audience.

Commissive speech acts are absent in this chapter.

Keywords: Speech Act, Discourse Analysis, Austin, Searle, Surah Al-Jathiyah

* Received: 2024 Jan 03, Accepted: 2025 Mar 04

DOI: 10.22081/jrla.2024.69243.1393

1. ARABI LITERATOR- BUALISINA UNIVERSITY.

sharafim248@gmail.com

2. Professor, Bu-Ali Sina University, Faculty of Literature and Humanities

smm.basu@yahoo.com

دوفصلنامه مطالعات ادبی متون اسلامی

سال اول / شماره دوم / پاییز و زمستان ۱۴۰۱

تحلیل متن‌شناسی سوره جاثیه بر اساس نظریه کنش گفتار سیرل

محمد شرفی^۱

سید مهدی مسبوق^۲

چکیده

نظریه کنش گفتار در پی تجزیه و تحلیل متن و بررسی منحصر به فرد چیدمان کلام در متون است. آستین اولین کسی بود که این نظریه را مطرح کرد و سپس به کوشش جان سیرل توسعه و تکامل یافت. سیرل انواع کنش گفتار را به پنج دسته اظهار، ترغیبی، عاطفی، تعهدی و اعلامی تقسیم می‌کند. بررسی و تحلیل متن‌شناسی متون دینی از جمله قرآن کریم بر اساس این نظریه می‌تواند یکی از راه‌های درک و شناخت بهتر لایه‌های پنهان قرآن کریم و دیگر کتب دینی باشد.

سوره جاثیه یکی از سوره‌های مکی قرآن است که علاوه بر در برداشتن آموزه‌های دینی و اخلاقی از شاکله نیرومندی در بُعد زبانی برخوردار است. پژوهش حاضر با در نظر گرفتن بافت و محتوای آیات سوره جاثیه، آن را از منظر کنش گفتاری مورد تحلیل و بررسی قرار داده است. در این بررسی مشخص شده است بعضی پاره‌های گفتار این سوره بیش از یک کنش دارند. بر اساس تحلیل انجام گرفته تعداد زیاد کنش ترغیبی و اظهار کاملاً قابل توجیه است؛ زیرا تبیین و دعوت مخاطب به دین توحید و هشدار شدید و تهدید کافران و گمراهان و همچنین دستورات داده شده برای ارشاد کافران، با استفاده از کنش ترغیبی صورت گرفته است.

* تاریخ دریافت: ۱۴۰۳/۰۳/۱۴، تاریخ پذیرش: ۱۴۰۳/۱۲/۱۴

10.22081/jrla.2024.69687.1395

شناسه دیجیتال (DOI):

sharafim248@gmail.com

۱. کارشناسی ارشد گروه زبان و ادبیات عربی، دانشگاه بوعلی سینا

۲. استاد، دانشگاه بوعلی سینا، دانشکده ادبیات و علوم انسانی

smm.basu@yahoo.com

همچنین با کنش اظهاری به حقایق جهان هستی، مسئله توحید، نتیجه اعمال انسان، روشنگری او پرداخته و از روش مقایسه استفاده شده است. با استفاده از کنش عاطفی نیز، مخاطب تحت تأثیر قرار گرفته و احساسات او را برانگیخته است؛ در ضمن از کنش تعهدی در این سوره استفاده نشده است.

واژگان کلیدی: کنش گفتار، متن‌شناسی، آستین، سرل، سوره جاثیه.

مقدمه

قرآن کریم به عنوان اصلی ترین منبع دینی و سرچشمه اصیل معارف اعتقادی، اخلاقی و عملی، از جایگاه بسیار والایی برخوردار است و از جنبه های گوناگون مورد توجه دانشمندان علوم دینی و پژوهشگران بوده است. تلاش محافل دینی و پژوهشی برای درک و دریافت از این متن مقدس باعث به وجود آمدن راه ها و روش های گوناگون تفسیری شده است. یکی از مباحث مهم علوم قرآنی که در فهم و تفسیر دقیق آیات قرآن کریم حائز اهمیت است، توجه به کاربردهای زبان شناسی قرآن است که به نسبت دانشی نوپا است، تا از این رهگذر چهره درخشان و زیبای کلام الهی را واضح تر بنمایاند، مشکلات فهم و تحلیل آن هموار گردد، به مضمون صحیح سخن باری تعالی بهتر نائل گردد و راز و رمزهای آن را بگشاید؛ بنابراین لازم است قدم در مباحث زبان شناسی و معنا شناسی بگذاریم. از جمله نظریات زبان شناسی که در حوزه علم کاربرد شناسی می توان به آن اشاره کرد، نظریه کنش گفتار است که توجه عده زیادی از تحلیلگران را به خود جلب کرده است. این پژوهش در تلاش است با پرداختن به سوره جاثیه و با بهره گیری از نظریه کنش گفتار، تحلیلی از انواع کنش های پنج گانه یعنی کنش اظهاری، اعلامی، ترغیبی، عاطفی و تعهدی ارائه نموده و با تحلیل به دست آمده خوانشی تازه از این سوره ارائه نماید. در بازگرداندن آیات به زبان فارسی از ترجمه حسین انصاریان استفاده شده است.

۱. ادبیات نظری پژوهش

۱-۱. پیشینه پژوهش

تا کنون مقالاتی با موضوع تحلیل کنش گفتار نوشته شده است؛ ولی استفاده از این موضوع در حوزه متون دین و مخصوصاً قرآن سابقه طولانی ندارد. از آن جمله می توان به موارد زیر اشاره نمود:

مقاله «تحلیل خطبه پنجاه و یکم نهج البلاغه بر اساس طبقه بندی سِرل از کنش های گفتاری»، نویسندگان: محمد فضائلی و نگارش، مقاله «تحلیل گفتمان آیات مربوط به قیامت در دو جزء آخر

قرآن». نویسندگان: سیدحسین سیدی و زهرا حامدی شیروان، مقاله «تأثیر بافت زمانی و مکانی در تحلیل کنش گفتار»، نویسندگان: سیدمحمد حسینی معصوم و عبدالله رادمرد، مقاله «تحلیل متن سوره مریم بر اساس نظریه کنش گفتاری با تأکید بر الگوی جان سِرل»، نویسنده: حجت‌الله حسنوند، مقاله «بررسی خطبه شفشقیه بر اساس نظریه کارگفت آستین و سِرل»، نویسنده: فاطمه شیرزاده طاقانکی، مقاله «تحلیل گفتمان ائمه بر اساس نظریه کنش گفتاری جان سِرل» نویسنده: مرضیه برزن، «تحلیل خطبه حضرت زینب سلام الله علیها در کوفه بر اساس نظریه کنش گفتار سِرل»، نویسندگان: طاهره ایشانی، معصومه نعمتی قزوینی، «تحلیل متن شناختی سوره لقمان بر اساس نظریه کنش گفتار سِرل» نویسندگان: حسین خاکپور، فاطمه عقدایی، مقاله «تحلیل متن‌شناسی سوره زمر بر مبنای نظریه کنش گفتار سِرل» پدیدآورنده‌ها: مهرناز گلی، مرضیه شمس‌الدینی گورزائگی، غلامرضا رضوی دوست.

۱-۲. پرسش‌های پژوهش

- ۱) کنش‌های گفتاری به کاررفته در سوره جاثیه بر اساس نظریه کنش گفتار کدام‌اند؟
- ۲) کنش‌های به کاررفته در سوره جاثیه چه مفاهیم و محتوایی را به مخاطب منتقل می‌کند؟

۱-۳. فرضیه پژوهش

فرضیه اصلی پژوهش در تحلیل سوره جاثیه بر اساس نظریه کنش گفتار سِرل باتوجه به بررسی بافت سوره، بیشتر آیات آن دعوت بشر به دین توحید و پرهیز از عذابی است که در کمین آنهاست، آنان را در برابر آن بر حذر می‌دارد و هشدار می‌دهد؛ انذار شدید و تهدید سختی به کافران و گمراهانی که اصرار بر عقاید انحرافی خود دارند می‌نماید؛ کسانی که هوای نفس را معبود خود گرفته‌اند و پیروی کورکورانه از ناآگاهان و جاهلان دارند، از عمل زشتشان نهی می‌کند؛ همچنین دستوراتی به پیامبر داده شده است و این مطالب بیانگر آن است که کنش ترغیبی دارای بیشترین کاربرد است.

۱-۴. اهمیت و ضرورت پژوهش:

با توجه به پژوهش‌های قابل توجهی که در زمینه کنش گفتار در قرآن و ادعیه انجام شده است، تا کنون در این گستره، دربارهٔ سورهٔ جاثیه هیچ پژوهشی صورت نگرفته است؛ بنابراین مقاله حاضر سعی دارد پس از تعاریف و توضیحاتی دربارهٔ نظریهٔ کنش گفتار و همچنین شناخت بافت فرهنگی سوره، به تحلیل پاره‌گفتارهای سورهٔ جاثیه بپردازد؛ تحلیل‌های لازم را با بررسی تفاسیر برای آن پاره‌گفتارها اتخاذ کند و لایه‌های نهان پنهان کلام خدا را نمایان‌تر سازد. پژوهش بر روی قرآن می‌تواند ما را به دریافت عمیق‌تر، دقیق‌تر و بهتری از کلام خدا و درک اهمیت آن رهنمون سازد.

۱-۵. روش پژوهش

روش استفاده شده در این پژوهش توصیفی - تحلیلی است که به شیوه کتابخانه‌ای انجام گرفته است به این صورت که ابتدا آیات و پاره‌گفتارهای سوره شناسایی شده است سپس بر اساس نظریهٔ کنش گفتار سرل^۱ مورد تحلیل و واکاوی قرار گرفته است.

۲. نظریهٔ کنش گفتار

یکی از راه‌های کشف ناگفته‌های یک متن که قرار است در این مقاله بدان بپردازیم؛ تحلیل کنش‌های گفتاری آن متن است. کنش‌های گفتاری یکی از عناصر مهم و اساسی مطرح در مباحث کاربردشناختی زبان هستند. در بررسی و تحلیل نظریهٔ کنش گفتار ناگفته‌های یک متن و معانی ناپیدا و زیرین گفتار بررسی می‌شود. یارمحمدی در این زمینه می‌گوید: «در کنش گفتاری، تنها معنای ظاهری مورد توجه نیست؛ بلکه شرایط زمانی، مکانی، فرهنگی و جز آنها را به صورت پنهان با خود دارد و شامل ناگفته‌های یک متن می‌شود.» (یارمحمدی، ۱۳۸۵: ۳۵) «نظریهٔ کنش گفتاری از نظر قلمرو به حوزهٔ فلسفهٔ زبان تعلق دارد. فلسفهٔ زبان شاخه‌ای از فلسفه است که جنبه‌های عام و کلی زبان را توصیف و تبیین می‌کنند. این جنبه‌های عام و کلی، مسائلی هستند که اختصاص به زبان خاصی

1. John rogers searle

ندارند؛ بلکه نسبت به هر زبانی صادق‌اند. مسأله صدق، حکایت، معنا و ضرورت و مسائلی از این دست، موضوع مطالعه فلسفه زبان هستند.» (سرل، ۱۳۸۵: ۲۱، ۲۰) طراح اصلی این نظریه جان لانگ شاو آستین^۱، استاد فلسفه اخلاق دانشگاه آکسفورد است. او این نظریه را در دهه‌های ۱۹۳۰ مطرح کرد و بعدها در سال ۱۹۵۵ آن را در مجموعه سخنرانی‌هایی که در دانشگاه هاروارد با نام ویلیام جیمز^۲ برگزار می‌شد، گسترش داد. آستین اولین کسی بود که توصیف نظام‌مند را از توصیف زبان ارائه کرد. او نظریه کنش گفتار را در واکنش به سه اصل مطرح کرد که در میان منطق دانان اثبات گرا مبنای بررسی معنی بود. این سه اصل عبارتند از: نخست اینکه جملات خبری، گونه اصلی جملات زبان هستند؛ دوم اینکه کاربرد اصلی زبان اطلاع دادن از طریق جملات است و سوم اینکه صدق و کذب معنای اظهارات زبانی را می‌توان تعیین کرد. (صفوی، ۱۳۸۷: ۱۷) نظریه آستین به رغم تلاش‌های بی‌وقفه وی در این خصوص، با اشکالاتی روبرو بود. از این رو تلاش‌های زیادی پس از آن جهت اصلاح دیدگاه آستین و ارائه تقسیم‌بندی مناسب‌تر برای آن انجام گرفت. مهمترین آنها که با مقبولیت بیشتری نسبت به بقیه مواجه شد، تقسیم‌بندی سرل بود. به اعتقاد وی، مطالعه کنش گفتاری، مبتنی بر ظرفیت‌های اساسی ذهن است که از رهگذر حالت‌های ذهنی همچون باور، تمایل به ویژه از طریق عمل و ادراک آن، رابطه ارگانیسم را با جهان برقرار می‌کند. (searle, 1983: 7) شاگرد آستین، جان. آر. سرل، این نظریه را تا حد زیادی بسط داد. البته در مواردی نیز آرای استاد خود را نقد نمود. مقاله او با عنوان «کنش‌های گفتاری غیر مستقیم» در سال ۱۹۷۵ بیانگر این نقد و بررسی بود؛ ضمن اینکه آرای او در باره نظریه آستین و دیگر مسائل مرتبط با فلسفه زبان در کتاب «کنش گفتار» دیده می‌شود (همان، ۲۱۷). کاربرد شناسی زبان از رهگذر تجزیه و تحلیل داده‌های زبانی، نقش برجسته‌ای در فهم و انتقال معنای ژرف آیات قرآنی ایفا می‌کند و سطح نوینی از مفاهیم و آموزه‌های قرآنی را فراروی مخاطبان قرار می‌دهد. در کاربرد

1. John Longshaw Austin
2. William James

شناسی زبان، معنای گزاره‌ها در بافتی که تولید شده مورد کاوش قرار می‌گیرد و در تحلیل متن بسیار مؤثر است. «نگاه به متون دینی با عنوان کنش سبب می‌شود تا ماهیت این متون با توجه به بسترهای تربیتی، اجتماعی، تاریخی و ادبی آن متن به شکل نظام‌مندی تفسیر شود.» (botha, 1991:300) در این مقاله برآنیم تا سوره جاثیه را بر اساس دسته بندی‌ای که جان سِرل از کنش‌های گفتاری ارائه داده است، تحلیل کنیم. بنابراین ابتدا باید انواع کنش‌های گفتاری که لازمه ورود به بحث و تحلیل است، شرح دهیم.

۱-۲. انواع کنش‌های گفتار از دیدگاه سِرل

۱-۱-۲. کنش اظهاری^۱

هدف از «کنش اظهاری» توصیف حالت یا حادثه‌ای است که گوینده عقیده خود را در باره درستی و نادرستی (صدق و کذب) یک مطلب اظهار می‌کند. این کنش تعهد گوینده را نسبت به صدق گزاره مطرح شده نشان می‌دهد. (صفوی ۱۳۸۷: ۸۲) به عبارت دیگر در این کنش گوینده ادعای صادق بودن عبارت بر زبان جاری شده را دارد. «به طور کلی اظهارات، ادعاها، نتیجه گیری‌ها، بیانات، تأکیدات، توصیفات و ابراز حقایق و مانند این‌ها که گوینده در آن، جهان خارج را آن‌گونه که باور دارد به تصویر می‌کشد، دارای کنش اظهاری است.» (yule, 1996: 53)

«قَالَ رَبِّ اَنۡیْ یُّکُوۡنِ لِیْ غُلَامٌ وَّکَانَ تِ اَمْرًاۢیْ عَاقِرًا وَّقَدْ بَلَغْتُ مِنَ الْکِبَرِ عِتٰی» (مریم ۸) در این آیه زکریا به خداوند اظهار می‌کند چگونه می‌تواند صاحب فرزندی شود درحالی‌که همسرش نازاست و سن بالایی دارد که نوعی کنش اظهاری محسوب می‌شود.

۲-۱-۲. کنش دستوری یا ترغیبی^۲

همان‌طور که از نام این کنش برمی‌آید، منظور از چنین کنشی آن است که کاربر زبان با استفاده از

1. Representative act
2. directive act

واژه‌ها، مخاطب را به انجام کاری یا باز داشتن از آن کار، تشویق و ترغیب می‌نماید، به عبارت دیگر کنش ترغیبی سه مقولهٔ دستورها، درخواست‌ها و پیشنهادها را شامل می‌گردد. نمونه بارز کارگفت‌های ترغیبی را می‌توان در پرسش‌ها یا درخواست‌ها مشاهده کرد. (صفوی، ۱۳۸۷: ۱۷۷) افعال کنشی ترغیبی شامل افعالی همچون خواستن، دستور دادن، توصیه کردن، پند و اندرز دادن، اصرار، هشدار دادن، دعوت کردن، سوال کردن، معذرت خواهی کردن، شرط کردن، اجازه دادن، اطمینان دادن، روحیه دادن و تشویق کردن هستند. (ایشانی و نعمتی قزوینی، ۱۳۹۳: ۳۲) به عنوان مثال در آیه «يَا أَيُّهَا الرُّسُلُ بَلِّغْ مَا أُنْزِلَ إِلَيْكَ مِنْ رَبِّكَ وَإِنْ لَمْ تَفْعَلْ فَمَا بَلَغْتَ رِسَالَتَهُ» (مائده/۶۷)، خداوند به پیامبر دستور می‌دهد که آنچه از طرف پروردگار به تو نازل می‌شود، ابلاغ کن و در ادامه هم به پیامبر هشدار می‌دهد که اگر این کار را نکنی، رسالتش را انجام نداده‌ای؛ بنابراین دو کنش ترغیبی در این آیه وجود دارد.

۳-۱-۲. کنش عاطفی^۱

شامل کنش‌هایی هستند که احساسات گوینده را عنوان می‌کنند و بیانگر حالات روانی هستند. (yule:1996,53) به عبارت دیگر این کنش‌ها بیان حالت روانی گوینده در باره اوضاع و شرایطی است که در محتوای گزاره‌ای مشخص شده است. در این نوع کنش، گوینده نه تلاش می‌کند تا جهان بیرون را با کلماتی که بیان می‌کند مطابقت دهد و نه کلمات بیان شده را با جهان بیرون؛ بلکه صدق و حقیقت گزارهٔ بیان شده بدیهی و مسلم فرض می‌شود. (searle:1999,15) افعال کنش عاطفی افعالی مانند اظهار همدردی کردن، اهانت کردن، تبریک گفتن، تردید داشتن، تسلیم شدن، سپاسگزاری کردن، تعجب کردن، تمجید کردن، تهدید کردن، خشمگین شدن، مسخره کردن، هجو کردن و معذرت خواهی هستند. مثال: الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي أَنْزَلَ عَلَى عَبْدِهِ الْكِتَابَ وَلَمْ يَجْعَلْ لَهُ عِوَجًا (کهف/۱). این آیه در برابر نزول قرآن که خالی از هر گونه اعوجاج و کژی است، در برابر خداوند، اظهار ستایش نموده و دارای کنش عاطفی است.

1. Expressive act

۴-۱-۲. کنش اعلامی^۱

در این کنش شرایط تازه‌ای اعلام می‌شود؛ بدین معنا که هم‌زمان با بیان آن شرایط، انطباقی بین زبان و جهان خارج روی می‌دهد. البته صرف بیان شرایط تازه به منزله انجام یک کنش اعلامی نیست؛ بلکه شرایطی برای تحقق آن لازم است. از جمله اینکه گوینده صلاحیت بیان شرایط جدید را داشته باشد. (پهلوان نژاد و رجب‌زاده، ۱۳۸۹: ۴۱) افعالی که حاوی کنش اعلامی هستند عبارتند از: اعلام کردن، محکوم کردن و منصوب کردن. (فضائلی و نگارش، ۱۳۹۰: ۹۱) مثال: **أَحِلَّ لَكُمْ صَيْدَ الْبَحْرِ وَحُرِّمَ عَلَيْكُمْ صَيْدَ الْبَرِّ مَا دُمْتُمْ حُرُمًا.** (مائده/۹۶) طبق توضیحات گفته شده، حلال و حرام اعلام نمودن از نشانه‌های بارز کنش اعلامی است. در این آیه، خداوند صید دریا و طعام آن را حلال اعلام نموده است، تا از آن بهره مند شوند؛ ولی صید بیابان تا زمانی که محرم هستند بر آنان حرام اعلام شده است.

۵-۱-۲. کنش تعهدی^۲

کنش تعهدی شامل کنش‌های گفتاری می‌شود که گوینده را نسبت به سیر اعمال آتی متعهد می‌کنند. (آلام، ۱۳۸۲: ۲۰۶) به عبارت دیگر، توان منظوری این کنش آن است که گوینده، خود را متعهد می‌سازد تا عملی را در آینده انجام دهد. (searle, 1999: 14) افعالی مانند قسم خوردن، تعهد دادن، پیشنهاد دادن، قول دادن، توجیه و ثابت کردن و ضمانت کردن مثال‌هایی از این نوع کنش گفتاری هستند. مانند: **لَعَمْرُكَ أَنَّهُمْ لَفِي سَكْرَتِهِمْ يَعْهَدُونَ.** (حجر/۷۲) در این آیه خداوند با سوگند خوردن به جان پیامبر، اظهار نموده قوم لوط در مستی غفلت و ضلالت خود حیران و سرگرداند و موعظه و نصیحت در آنان تأثیری ندارد؛ بنابراین دارای کنش تعهدی است.

مطلب مهمی که درباره تشخیص نوع کنش‌های گفتار باید متذکر شد، این است که همچون نمونه‌هایی که به هنگام توضیح دسته‌بندی سرل ذکر شد، لازم نیست برای شناسایی نوع کنش گفتار

1 . declarative act

2 . Commissive act

حتماً خود فعل در پارهٔ گفتار وجود داشته باشد؛ زیرا شناسایی و تشخیص پاره‌گفتارهای کنشی ضمنی که در آنها فعل کنشی وجود ندارد، از طریق بافت امکان‌پذیر است. (sbisa, 2002:22) سرل نیز اذعان می‌کند بافت بیشترین نقش را در تعیین کنش‌های گفتار یک پارهٔ گفتار دارد. (سرل، ۱۳۸۵، ۳۲)

۳. بافت فرهنگی سوره جاثیه:

برای بررسی و تحلیل سوره‌های قرآن دانستن بافت موقعیتی و فرهنگی آن و چگونگی شکل‌گیری آن گفتمان اهمیت فراوانی دارد. برای ورود به بدنهٔ اصلی پژوهش نخست لازم است بافت موقعیتی و فرهنگی سوره قدری تبیین گردد؛ بنابراین در این مجال به بررسی مختصر بافت آن می‌پردازیم. غرض این سوره دعوت عموم بشر است به دین توحید و پرهیز از عذابی که از آن انذار می‌کند. سوره جاثیه نخست با مسئلهٔ توحید آغاز می‌شود و سپس به تشریع شریعت برای رسول خدا (ص) و اینکه بر او و بر عامهٔ بشر لازم است از آن پیروی کنند، اشاره نموده است، می‌فرماید: در پیش‌روی خود روزی را دارند که آن روز بر طبق اعمال صالحی که انجام داده‌اند، از ایمان و پیروی شریعت و بر طبق گناهانی که کرده‌اند؛ از اعراض از دین و غیره محاسبه خواهند شد. آن‌گاه پیش آمدهایی که هریک از دو طایفهٔ مؤمنان و گناهکاران در قیامت دارند، ذکر می‌کند. البته در خلال این بیانات انذار شدید و تهدید سختی به مستکبرین دارد که از آیات خدا اعراض می‌کنند و نیز به کسانی که هوای نفس خود را معبود خود گرفته‌اند و خدا آنان را گمراه کرده، در عین اینکه به گمراهی خود عالم بودند، هشدار می‌دهد. از لطائفی که در این سوره آمده، بیان معنای نوشتن نامه اعمال و استنساخ آن است. (طباطبایی، ۱۳۷۴، ۱۸/۲۳۵)

بحث و تحلیل کنش گفتاری سوره جاثیه بر اساس نظریه کنش گفتار

قبل از شروع تحلیل آیات باید به این نکته توجه کنیم که قرآن کلام خداست؛ بنابراین در استفاده از آن باید دقت نمود و باتوجه به تفاسیر معتبر این واکاوی را انجام داد. با کمی دقت در می‌یابیم برخی

از پاره‌های گفتار سوره جاثیه بیش از یک کنش گفتار دارند. به عنوان مثال در بعضی آیات که کنش اظهاری دارند، کنش ترغیبی نیز دیده می‌شود. اکنون باتوجه به الگوی ارائه شده سرل در مورد کنش‌های گفتاری سوره جاثیه مورد واکاوی قرار می‌گیرد تا مشخص شود کدام کنش گفتاری از فراوانی بالاتری برخوردار است و چرا این گونه است؟ به لحاظ محدودیت‌های مقاله تعدادی از آیات تحلیل و بررسی شده است؛ اما در انتها، تمام آیات در جدول به همراه کنش متناسب آن ذکر گردیده است.

«حم» (۱) «حاء، میم»

مفسر معروف، طبرسی در آغاز این سوره می‌گوید: بهترین سخن این است که گفته شود (ح م) نام این سوره است و علت اینکه این سوره را حم نام‌گذاری کرده‌اند آن است که این قرآن سراسر اعجاز است، همه‌اش از حروف معجم "ح، م، و..." ترکیب یافته است. (طبرسی، ۱۳۵۹: ۲۲/۳۴۶)

بنابراین از آنجاکه به بیان حقیقتی پرداخته، دارای کنش اظهاری است.

«تَنْزِيلُ الْكِتَابِ مِنَ اللَّهِ الْعَزِيزِ الْحَكِيمِ» (۲) «این کتاب نازل شده از سوی خدای توانای شکست‌ناپذیر و حکیم است.» وصف عزیز حاکی از توانایی است؛ وصف حکیم نشان می‌دهد که قرآن از روی حکمت و مصلحت نازل شده است. (قرشی، ۱۳۷۷: ۱۰/۹۶) خداوند متعال در ابتدای سوره به حقانیت قرآن اشاره می‌کند و اعلام می‌کند که کتاب قرآن از طرف خداوند عزیز و حکیم بر پیامبر نازل شده است. خداوند در این آیه می‌خواهد امید و انتظار مشرکان و گمراهان را از ایشان برای پذیرفتن عقاید آنها پایان دهد؛ بنابراین این آیه دارای کنش اعلامی است.

جالب اینکه این آیه به همین صورت در آغاز چهار سوره قرآن آمده است که سه سوره از سوره‌های حوامیم (مؤمن، جاثیه و احقاف) و یک سوره از غیر حوامیم (سوره زمر) است. این تکرار و تأکید به این منظور است که توجه همگان را به عمق اسرار قرآن و عظمت محتوای آن جلب کند تا هیچ تعبیری را در آن ساده نینگارند و هیچ کلمه‌ای را بی حساب فکر نکنند و به هیچ حدی از

درک و فهم آن قانع نشوند. (مکارم، ۱۳۷۴: ۲۱ / ۲۲۷)

«إِنَّ فِي السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ لَآيَاتٍ لِلْمُؤْمِنِينَ» (۳) «به یقین در آسمان‌ها و زمین برای مؤمنان نشانه‌هایی [بر ربوبیت، حکمت و قدرت خدا] است.»

این آیه دارای کنش اظهاری است؛ زیرا به بیان این واقعیت عینی می‌پردازد که اگر انسان مؤمن باشد، با مشاهده آسمان‌ها و زمین به عظمت آفرینش الهی پی می‌برد. البته همین آیه حکایت از قدرت غیر قابل تصور خداوند متعال دارد که به طور ضمنی شامل تمجید الهی شده و کنش عاطفی نیز دارد و به طور ضمنی مردم را به مؤمن شدن به خداوند متعال توصیه می‌کند که کنش ترغیبی دارد.

«وَفِي خَلْقِكُمْ وَمَا يَبُتُّ مِنْ دَابَّةٍ آيَاتٌ لِّقَوْمٍ يُوقِنُونَ» (۴) «و در آفرینش شما و آنچه از جنبندگان منتشر و پراکنده می‌کند، برای اهل یقین نشانه‌هایی [بر ربوبیت، حکمت و قدرت خدا] است.»

این آیه که دال بر حکمت و قدرت خداست، دارای کنشی اظهاری است؛ انسان را به تفکر در آفرینش خود و جنبندگان دعوت می‌کند؛ بنابراین دارای کنش ترغیبی است؛ همچنین این آیه در بردارنده تمجید الهی است؛ بنابراین دارای کنش عاطفی است.

«وَإِخْتِلَافِ اللَّيْلِ وَالنَّهَارِ وَمَا أَنزَلَ اللَّهُ مِنَ السَّمَاءِ مِنْ رِزْقٍ فَأَحْيَا بِهِ الْأَرْضَ بَعْدَ مَوْتِهَا وَتَصْرِيفِ الرِّيحِ آيَاتٌ لِّقَوْمٍ يَعْقِلُونَ» (۵) «و در رفت و آمد شب و روز و آنچه را از رزق و روزی [چون باران و برف] از آسمان نازل کرده و به وسیله آن زمین را پس از مردگی اش زنده کرده است، و در گرداندن بادها [از سویی به سویی] برای مردمی که تعقل می‌کنند، نشانه‌هایی است.»

این آیه نیز مانند آیات پیشین با یادآوری زاویه‌ای دیگر از قدرت الهی حامل پیام اطمینان‌بخشی به مخاطب است که هر آنچه خداوند وعده دهد، عملی خواهد شد؛ بنابراین کنش ترغیبی دارد. با توجه به اینکه محتوای آیه حکایت از عظمت و عزت بی‌انتهای خداوند متعال می‌پردازد، در بردارنده تمجید الهی است و کنش عاطفی دارد.

«تِلْكَ آيَاتُ اللَّهِ تَتْلُوهَا عَلَيْكَ الْحَقُّ فَبِأَيِّ حَدِيثٍ بَعْدَ اللَّهِ وَآيَاتِهِ يُؤْمِنُونَ» (۶) این‌ها آیات خداست که به حق و «راستی بر تو می‌خوانیم؛ پس [اگر به این آیات ایمان نیاوردند] به کدام سخن بعد از [سخن] خدا و نشانه‌هایش ایمان می‌آورند؟»

در ابتدای این آیه خداوند متعال با ضمیر (تِلْكَ) که در عربی برای اشاره به دور به کار می‌رود، به قرآن اشاره کرده است و همان‌طور که می‌دانیم در قرآن کاربرد ضمیر اشاره دور کنایه از عظمت و اهمّیت مشاّرّالیه می‌باشد. (طباطبایی، ۱۳۷۴: ۱۰۱/۱۱) گویی مشاّرّالیه در فاصله‌ای دور قرار دارد. آیه شریفه تهدیدی است نسبت به کسانی که از آیات خدا روی گردانند. آنها باید بدانند که عمل به دستورات قرآن سبب رستگاری و سعادت دنیا و آخرت است؛ بنابراین آنان که به این فرمایشات ایمان نیاورند پس به سخنی بعد از سخن و کلام خدا ایمان نمی‌آورند؛ بنابراین دارای کنش ترغیبی است.

«وَلِكُلِّ أَفَّاكٍ أَثِمٌ» (۷) «وای بر هر دروغگوی گنهکار.»

افّاك بر وزن فَعَال است از افك که عبارت است از کذب و دروغ. افّاك به کسی گویند که بسیار دروغ می‌گوید یا آنکه دروغی بزرگ می‌گوید؛ هرچند که این دروغ ضمن یک خبر باشد و اِثِم صاحب اِثِم را گویند که فرد گناهکار می‌باشد. (بیستونی، ۱۳۸۸: ۱۲، ۳۴۰) این آیه با توجّه به اینکه به دروغگویان هشدار می‌دهد، دارای کنش ترغیبی است.

«يَسْمَعْ آيَاتِ اللَّهِ تُحْلَى عَلَيْهِ ثُمَّ يُصِرُّ مُسْتَكْبِرًا كَأَن لَّمْ يَسْمَعْهَا فَبَشْرُهُ بِعَذَابٍ أَلِيمٍ» (۸) «که آیات خدا را درحالی که بر او می‌خوانند می‌شنود، آن‌گاه از روی سرکشی و تکبر چنان‌که گویی آن را نشنیده است [بر کفر، عناد، دشمنی و مخالفتش] پافشاری می‌کند؛ پس او را به عذابی دردناک بشارت ده.»

این آیه با توجّه به اینکه ویژگی‌های انسان بسیار دروغگو را بیان می‌کند، دارای کنش اظهاری است؛ با وجود اینکه عذاب تناسبی با بشارت ندارد؛ این تعبیر به‌عنوان طعنه و تحقیر این گروه ذکر شده است؛ لذا این نوع هجو کنش عاطفی به این آیه داده است.

«وَإِذْ أَعْلَمَ مِنْ آيَاتِنَا شَيْئًا أَخَذَهَا هُزْؤًا أُولَئِكَ لَهُمْ عَذَابٌ مُهِينٌ» (۹) «و هنگامی که به چیزی از آیات ما آگاه

می‌شود، آن را به مسخره گیرد؛ اینانند که برای آنان عذاب خوارکننده‌ای خواهد بود.»

با توجه به اینکه یکی از ویژگی‌های کافران را ذکر می‌کند، دارای رویکردی اظهاری است. البته ضمن اظهار تأسّف نسبت به تمسخر آنان، آنان را مورد هجو قرار می‌دهد که به این عبارت رویکردی عاطفی می‌دهد. همچنین آیه در بردارنده هشدار نسبت به این گروه است که دارای کنش ترغیبی است. «این عذاب خوارکننده برای آن است که این گروه آیین خدا را مورد استهزا و تمسخر قرار داده‌اند و چون جریمه باید با جرم متناسب باشد، خداوند هم برای آنها مجازاتی تعیین کرده که علاوه بر دردناک بودن توهین آور نیز باشد» (کاشانی، ۱۴۱۵: ۱۴۰/۴).

«مِنْ وَرَائِهِمْ جَهَنَّمُ وَلَا يُغْنِي عَنْهُمْ مَا كَسَبُوا شَيْئًا وَلَا مَا اتَّخَذُوا مِنْ دُونِ اللَّهِ أَوْلِيَاءَ وَلَهُمْ عَذَابٌ عَظِيمٌ» (۱۰) «پیش

رویشان دوزخ است، و آنچه [از ثروت، مقام، یار و یاور] به دست آورده‌اند و آنچه را به جای خدا سرپرستان و معبودان خود گرفته‌اند، چیزی از عذاب را از آنان دفع نمی‌کند، و برای آنان عذابی بزرگ است.»

وراء به معنی پس و پیش است (امام و خلف) و در هر دو معنی به کار می‌رود و از اضداد است. (راغب، ۱۴۱۲: ۸۶۶) تعبیر به وراء (پشت سر) با اینکه دوزخ جلو آنها قرار دارد، و در آینده به آن می‌رسند، ممکن است از این نظر باشد که آنها اقبال به دنیا کرده و آخرت و عذاب الهی را نادیده گرفته و پشت سر انداخته‌اند. (مکارم، ۱۳۵۳: ۲۱/۲۳۹) خداوند والا مرتبه در این آیه به بیان وضعیت کافران در جهان آخرت پرداخته است؛ بنابراین دارای کنش اظهاری است. قسمت دوم این آیه دارای هشدار نسبت به این گروه است که رنگ و بوی کنش ترغیبی به آن داده است.

«هَذَا هُدًى وَالَّذِينَ كَفَرُوا بِآيَاتِ رَبِّهِمْ لَهُمْ عَذَابٌ مِنْ رَجْزٍ أَلِيمٌ» (۱۱) «این [قرآن] سراسر هدایت است؛ و کسانی

که به آیات پروردگارشان کافر شدند، آنان را عذابی است از نوع عذابی بسیار سخت و دردناک.»

راغب گوید: اصل رجز، اضطراب است و چون ناقه ضعیف و بیمار شود و قدم‌های کوتاه و

نامنظم بردارد گویند: رجز البعیر (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲، ۶۳۲)

در ابتدای آیه از قرآن با صفت «هُدًی» یاد کرده است که نوعی تعظیم و تمجید را در بردارد؛ بنابراین دارای کنش عاطفی است و به طور ضمنی دارای کنش ترغیبی می‌باشد؛ چون وقتی خداوند قرآن را هدایت‌کننده انسان‌ها دانسته، باعث ترغیب و تشویق مسلمانان به پیروی از دستورات آن است. قسمت دوم آیه به کسانی که به آیات خدا کفر می‌ورزند، هشدار داده است که عذابی سهمگین و بسیار سخت در انتظار آنان است؛ بنابراین دارای کنش ترغیبی است.

«اللَّهُ الَّذِي سَخَّرَ لَكُمُ الْبَحْرَ لَتَجْرِي فِيهِ سَافِرُونَ وَلَئِنْ تَوَلَّوْا فَنُفِثْ فِيكُمْ فَذَلِكُمْ تُشْكِرُونَ» (۱۲) «خداست که دریا را برای شما مسخر و رام کرد تا کشتی‌ها به فرمانش در آن روان شوند و تا شما [با سفرهای دریایی] از فضل و رزق و روزی‌اش بهره‌جوید و تا شما [بر نعمت‌هایش] سپاس‌گزار کنید.»

در این آیه به بیان نعمت مُسَخَّر کردن دریا برای انسان می‌پردازد که دارای کنش اظهاری است و حس شکرگزاری انسان را برمی‌انگیزد؛ شکری که سرچشمه معرفت خدا و انگیزه اطاعت فرمان خدا می‌شود. همین جنبه تشویقی آیه، کنش ترغیبی را به همراه دارد؛ همچنین حامل تمجید الهی است و کنش عاطفی را به همراه دارد.

«وَسَخَّرَ لَكُم مَّا فِي السَّمَاوَاتِ وَمَا فِي الْأَرْضِ جَمِيعًا مِّنْهُ إِنَّ فِي ذَلِكَ لَآيَاتٍ لِّقَوْمٍ يَتَفَكَّرُونَ» (۱۳) «و همه آنچه را در آسمان‌هاست و آنچه را در زمین است از سوی خود برای شما مسخر و رام کرد؛ بی‌تردید در این امور برای مردمی که می‌اندیشند، نشانه‌هایی [بر ربوبیت، حکمت و قدرت خدا] ست.»

مضمون این آیه با آیه قبل شباهت دارد؛ بنابراین دارای کنش‌های اظهاری، ترغیبی و عاطفی است.

«قُلْ لِلَّذِينَ آمَنُوا يَغْفِرُ وَالَّذِينَ لَا يَرْجُونَ أَيَّامَ اللَّهِ لِيَجْزِيَ قَوْمًا بِمَا كَانُوا يَكْسِبُونَ» (۱۴) «به مؤمنان بگو: از کسانی که به روزهای خدا [چون روز آزمایش بندگان، روز پیروزی اهل ایمان، شکست دشمنان و روز قیامت] امید ندارند، گذشت کنند، تا [خدا] مردمی را [که تهیدست از عقاید پاک و کردار شایسته هستند، در روزی از روزهایش] به خاطر گناهانی که همواره مرتکب می‌شوند، کیفر دهد.»

طبرسی می‌نویسد: ایام‌الله سنت‌ها و افعال خداوند است که به صورت نعمت یا عذاب در میان بندگان اتفاق افتاده است. یعنی در حقیقت این ایام زمان وقوع سنن و افعال خداوند هستند. (طبرسی، ۱۳۵۹: ۶/ ۴۶۷) این آیه با توجه به اینکه خداوند متعال به پیامبر دستور می‌دهد و امر می‌کند، دارای کنش ترغیبی است.

جمعی از مفسران جمله (يٰۤاَيُّهَا كٰٔنُوْا يٰۤكٰسِبُوْنَ) را تهدیدی برای کفار و مجرمان دانسته‌اند؛ درحالی‌که بعضی دیگر آن را بشارتی نیز برای مؤمنان در برابر این عفو و گذشت شمرده‌اند؛ اما مانعی ندارد که هم تهدید آن گروه باشد و هم بشارت به این گروه؛ چنان‌که در آیه بعد نیز به این گروه اشاره شده است. (مکارم، ۱۳۵۳: ۲۱/ ۲۴۷) بنابراین دارای کنش ترغیبی است.

«مَنْ عَمِلَ صَالِحًا فَلِنَفْسِهِ وَمَنْ اَسَاءَ فَلَعَلَّهَا تُمْرُؤْا اِلٰى رَبِّكُمْ تُرْجَعُوْنَ» (۱۵) «هرکس کار شایسته‌ای انجام دهد، به سود خود اوست و هرکس مرتکب بدی شود به زیان خود اوست، سپس به‌سوی پروردگارتان بازگردانده می‌شود.»

این آیه به منزله تعلیلی است برای جمله «يٰۤاَيُّهَا كٰٔنُوْا يٰۤكٰسِبُوْنَ» و به همین علت واو عاطفه بر سرش نیامده است. اگر به منزله تعلیل باشد، معنایش این می‌شود: خدای تعالی ایشان را به آنچه کردند جزا می‌دهد. برای آنکه اعمال هرگز بی‌اثر رها نمی‌شوند؛ بلکه هرکس عملی صالح انجام دهد، از آن بهره‌مند می‌شود و هرکس عملی زشت انجام دهد از آن متضرر می‌گردد (طباطبایی، ۱۳۷۴: ۱۸/ ۲۵)؛ بنابراین دارای کنش اظهاری است.

«وَلَقَدْ اٰتَيْنَا بَنِي اِسْرٰٓئِیْلَ الْكِتٰبَ وَالْحُكْمَ وَالتَّوْبَةَ وَرَزَقْنٰهُمْ مِّنَ الطَّيِّبٰتِ وَفَضَّلْنٰهُمْ عَلٰی الْعٰلَمِیْنَ» (۱۶) «و همانا ما به بنی اسرائیل کتاب و حکومت و نبوت عطا کردیم، و از پاکیزه‌ها به آنان روزی دادیم و آنان را بر جهانیان [روزگار خودشان] برتری بخشیدیم.»

در این آیه نمونه‌ای از زندگی قوم بنی‌اسرائیل را که مشمول نعمت‌های الهی شدند؛ اما کفر نعمت کردند، شرح می‌دهد. وجود ادات (قَدْ) در ابتدای فعل (آتینا) نشانگر تأکید است که منجر به اطمینان‌بخشی مخاطب شده است؛ بنابراین دارای کنش ترغیبی است.

«وَأَتَيْنَاهُمُ بُيُوتَهُم مِّنَ الْأَمْرِ فَمَا اخْتَلَفُوا إِلَّا مَن بَعْدَ مَا جَاءَهُمُ الْعِلْمُ بَعِيًا يَتِيمَهُمْ. إِنَّ رَبَّكَ يَقْضِي بَيْنَهُمْ يَوْمَ الْقِيَامَةِ فِيمَا كَانُوا فِيهِ يَخْتَلِفُونَ» (۱۷) «و دلایل روشنی از امر نبوت و شریعت در اختیارشان قرار دادیم؛ آنها اختلاف نکردند، مگر بعد از علم و آگاهی و این اختلاف بخاطر ستم و برتری جویی آنان بود؛ اما پروردگارت روز قیامت در میان آنها در آنچه اختلاف داشتند داوری می‌کند.»

در این آیه به ششمین موهبت بزرگی که خدا به این قوم حق شناس داد، اشاره کرده، می‌گوید: «و ما دلائل روشنی (از امر نبوت و شریعت) در اختیار آنها گذاردیم» (وَأَتَيْنَاهُمُ بُيُوتَهُم مِّنَ الْأَمْرِ). با وجود این مواهب بزرگ و دلائل بین و روشن جایی برای اختلاف وجود نداشت؛ ولی این کفران‌کنندگان به زودی دست به اختلاف زدند (مکارم، ۱۳۵۳: ۴ / ۴۱۲)؛ بنابراین آیه با توجه به اینکه به بیان وضعیّت قوم بنی اسرائیل پرداخته است، دارای کنش اظهاری است. در پایان آیه آنها را هشدار می‌دهد و به این ترتیب با کفران نعمت و ایجاد اختلاف هم عظمت و قدرت خود را در دنیا از دست دادند و هم مجازات آخرت را برای خود خریدند. (همان، ۴۱۳)؛ بنابراین دارای کنش ترغیبی می‌باشد.

«ثُمَّ جَعَلْنَاكَ عَلَىٰ شَرِيعَةٍ مِّنَ الْأَمْرِ فَاتَّبِعْهَا وَلَا تَتَّبِعْ أَهْوَاءَ الَّذِينَ لَا يَعْلَمُونَ» (۱۸) «سپس تو را [در امر نبوت و دین] بر آیینی ویژه و کامل قرار دادیم؛ بنابراین از آن پیروی کن و از هواهای نفسانی کسانی که [به حقایق] معرفت و آگاهی ندارند، پیروی مکن.»

بعد از بیان مواهبی که خداوند به بنی اسرائیل داده بود و کفران کردند، سخن از موهبت عظیمی به میان می‌آورد که به پیامبر اسلام صلی الله علیه و اله و مسلمین بخشیده، می‌فرماید: «سپس ما تو را بر شریعت و مسیری به سوی آیین حق قرار دادیم» (ثُمَّ جَعَلْنَاكَ عَلَىٰ شَرِيعَةٍ مِّنَ الْأَمْرِ) جمله اول با توجه به اینکه به بیان واقعیت می‌پردازد، دارای کنش اظهاری است. در ادامه از آنجا که این آیه دارای دو فعل امر و نهی می‌باشد؛ بنابراین دارای کنش ترغیبی است

«إِنَّهُمْ لَمَن يَغْتُواكُم مِّنَ اللَّهِ شَيْئًا وَإِنَّ الظَّالِمِينَ بَعْضُهُمْ أَوْلِيَاءُ بَعْضٍ وَاللَّهُ وَلِيُّ الْمُتَّقِينَ» (۱۹) «آنان در برابر خدا

نمی‌توانند چیزی [از گرفتاری‌ها و بلاها] را از تو دفع کنند؛ و همانا ستمکاران یار و یاور یکدیگرند و خدا یار و یاور پرهیزکاران است.»

این آیه در حقیقت علتی است برای نهی از تسلیم شدن در برابر پیشنهاد مشرکان. می‌گوید آنها هرگز نمی‌توانند تو را در برابر خداوند بی‌نیاز کنند و از عذابش برهانند. گرچه روی سخن در این آیات با پیامبر است؛ ولی منظور همه مؤمنان می‌باشند. این آیه علت آیه قبلی است و با توجه به این توضیحات، دارای کنش اظهاری است

«هَذَا بَصَائِرُ لِلنَّاسِ وَهُدًى وَرَحْمَةٌ لِّقَوْمٍ يُوقِنُونَ» (۲۰) «این [قرآن و آیین] وسایل بینایی و بصیرت برای مردم و سراسر هدایت و رحمت برای گروهی است که [حقایق را] باور دارند.»

تمجید نمودن از کتاب به نحو ظاهری دارای کنش عاطفی است؛ اما می‌توان کنش واقعی این آیه را از نوع ترغیبی دانست؛ زیرا خداوند در ضمن بیان عظمت قرآن به مخاطب مؤمن اطمینان می‌دهد که پیروی از قرآن سعادت و خوشبختی او را تضمین می‌کند و به غیر مؤمن سفارش می‌کند که برای رسیدن به سعادت توصیه‌های قرآن عمل کند و این‌گونه است که می‌توان کنش واقعی آیه را با توجه به سیاق اطمینان‌بخشی و توصیه‌ای که در آن به کاررفته، کنش ترغیبی دانست.

«أَمْ حَسِبَ الَّذِينَ اجْتَرَحُوا السَّيِّئَاتِ أَنْ نَجْعَلَهُمُ الْكَاذِبِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ سَوَاءٌ مِّمَّاهُمْ وَمِمَّا هُمْ سَاءٌ مَا يَحْكُمُونَ» (۲۱) «آیا کسانی که مرتکب گناهان شدند، گمان دارند آنان را مانند کسانی که ایمان آورده و کارهای شایسته انجام داده‌اند، قرار می‌دهیم که زندگی و مرگشان یکسان باشد؟ چه بد داوری می‌کنند.»

«اجترحوا» به معنی به‌دست آوردن و تحصیل است. گفته می‌شود جرح و اجترح به معنی کسب و اکتساب است و اصل آن از جراح است؛ زیرا گناه تأثیری همانند جراحات دارد. (طبرسی، ۱۳۵۹: ۲۲/۳۵۷) در این آیه نیز خداوند برای روشنگری بیشتر مقایسه گناهکاران و انسان‌های مؤمن را مطرح می‌کند. استفهام انکاری به انگیزه هشدار صورت گرفته است و دارای کنش ترغیبی است. قسمت پایانی آیه هم دارای کنش عاطفی است.

«وَخَلَقَ اللَّهُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضَ بِالْحَقِّ وَلِتُجْزَىٰ كُلُّ نَفْسٍ بِمَا كَسَبَتْ وَهُمْ لَا يُظْلَمُونَ» (۲۲) «خدا آسمان‌ها و زمین را به حق آفرید، و تا هر کس در برابر اعمالی که انجام داده است، پاداش یابد و آنان مورد ستم قرار نمی‌گیرند.»

از آنجا که این آیه تفسیر و تعلیلی است برای آیه قبل؛ بنابراین دارای کنش اظهاری است.

«أَفَرَأَيْتَ مَنِ اخْتَذَ إِلَٰهَهُ هَوَاهُ وَأَضَلَّهُ اللَّهُ عَلَىٰ عِلْمٍ وَخَتَمَ عَلَىٰ سَمْعِهِ وَقَلْبِهِ وَجَعَلَ عَلَىٰ بَصَرِهِ عِثَارَ وَاغَاوَةٍ فَمَنْ يَهْدِيهِ مِنْ بَعْدِ اللَّهِ أَفَلَا تَذَكَّرُونَ» (۲۳) «پس آیا کسی که معبودش را هوای نفسش قرار داده دیدی؟ و خدا او را از روی علم و آگاهی خود [بر اینکه شایسته هدایت نیست] گمراه کرد، و بر گوش و دلش مهر [تیره‌بختی] نهاد، و بر چشم [دلش] پرده‌ای قرار داده است، پس چه کسی است که بعد از خدا او را هدایت کند؟ آیا متذکر [حقایق] نمی‌شوید؟»

این آیه نیز توضیح و تعلیل دیگری است برای عدم مساوات کافران و مؤمنان؛ در نتیجه دارای کنش اظهاری است. در آخر آیه می‌فرماید: (أَفَلَا تَذَكَّرُونَ) که در مقام نکوهش است و نشان می‌دهد که مشرکان و ظالمان پند نمی‌گرفتند و بسیاری دیگر در اندرزپذیری کوتاه می‌آمدند؛ بنابراین دارای کنش عاطفی است.

«وَقَالُوا مَاهِيَ إِلَّا حَيَاتُنَا الدُّنْيَا نَمُوتُ وَنَحْيَا وَمَا يُهْلِكُنَا إِلَّا الدَّهْرُ وَمَا لَهُمْ بِذَلِكَ مِنْ عِلْمٍ إِنْ هُمْ إِلَّا يَتُنَوَّنُونَ» (۲۴) «گفتند: زندگی و حیاتی جز همین زندگی و حیات دنیای ما نیست که [همواره گروهی از ما] می‌میریم و [گروهی] زندگی می‌کنیم، و ما را فقط روزگار هلاک می‌کند. آنان را نسبت به آنچه می‌گویند یقینی در کار نیست، آنان فقط حدس و گمان می‌زنند.»

این عبارت که اعتقادات و باورهای کافران را بیان می‌کند، دارای کنش اظهاری است؛ همچنین ضمن اظهار تأسف از اعتقادات ایشان، آنها را مورد هجو قرار می‌دهد و به آیه کنش عاطفی نیز بخشیده است.

«وَإِذَا تَلَّىٰ عَلَيْهِمْ آيَاتُنَا بَيِّنَاتٍ مَّا كَانَ حُجَّتُهُمْ إِلَّا أَنْ قَالُوا أَأَبَاتِنَا إِن كُنتُمْ صَادِقِينَ» (۲۵) «چون آیات روشن ما [درباره معاد و زنده شدن مردگان] بر آنان خوانده شود، برهان و دلیلی جز این ندارند که می‌گویند: اگر شما [در زمینه زنده شدن مردگان] راست‌گویید [با درخواست از خدا] پدران ما را [زنده کنید و] نزد ما بیاورید [تا به زنده شدن

مردگان یقین پیدا کنیم.]]

این آیه شریفه می‌خواهد همان مضمون جمله قبلی را که می‌گفت انکار معاد و منحصر کردن زندگی به زندگی دنیا سخنی است بدون دلیل از مشرکین، تأکید کند. مراد از آیات بینات آیاتی است که مشتمل بر حجت‌هایی بر اثبات معاد است و بینات بودن حجت‌ها همان روشن بودن دلالت آنها بر ثبوت معاد است به‌طوری که دیگر شکی باقی نمی‌گذارد. (طباطبایی، ۱۳۷۴: ۲۶۷/۱۸) این آیه از آنجا که مضمون جمله قبل را تأکید می‌کند و از طرفی دلیل کافران مبنی بر عدم پذیرش معاد و زنده شدن مردگان را بیان می‌کند، دارای کنش اظهاری است.

با توجه به طولانی شدن مباحث و محدودیت مقاله، تحلیل تمام آیات از حوصله این مقاله خارج است؛ بنابراین تمام آیات به طور خلاصه در جدول ذیل به همراه کنش مناسب آن ذکر گردیده است.

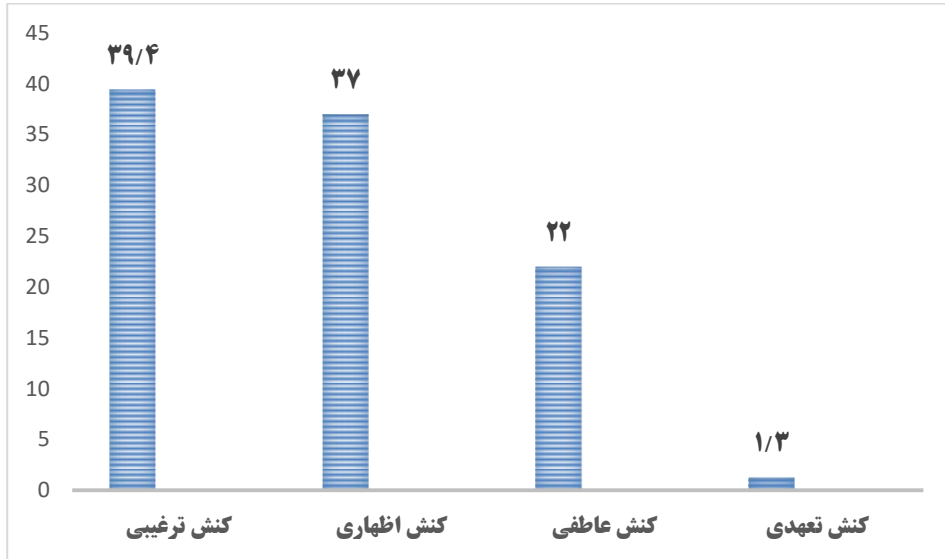
جدول شماره (۱): کنش گفتاری آیات سوره جاثیه

کنش گفتاری جمله‌ها				آیه‌ها
اعلامی	عاطفی	اظهاری	ترغیبی	
		۱		حم (۱)
۱				تَنْزِيلُ الْكِتَابِ مِنَ اللَّهِ الْعَزِيزِ الْحَكِيمِ (۲)
	۱	۱	۱	إِنِّي فِي السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ لَآيَاتٍ لِلْمُؤْمِنِينَ (۳)
	۱	۱	۱	وَفِي خَلْقِكُمْ وَمَا يَبُثُّ مِنْ دَابَّةٍ آيَاتٌ لِقَوْمٍ يُوقِنُونَ (۴)
	۱		۱	وَإِخْتِلَافِ اللَّيْلِ وَالنَّهَارِ وَمَا أَنْزَلَ اللَّهُ مِنَ السَّمَاءِ مِنْ رِزْقٍ فَأَحْيَا بِهِ الْأَرْضَ بَعْدَ مَوْتِهَا وَتَصْرِيفِ الرِّيَّاحِ آيَاتٌ لِقَوْمٍ يَعْقِلُونَ (۵)
			۱	تِلْكَ آيَاتُ اللَّهِ تَتْلُوهَا عَلَيْكَ بِالْحَقِّ فَبِأَيِّ حَدِيثٍ بَعْدَ اللَّهِ وَآيَاتِهِ يُؤْمِنُونَ (۶)
			۱	وَنِلْ لِكُلِّ أَفَّاكٍ أَثِيمٍ (۷)

آیه‌ها				کنش گفتاری جمله‌ها			
				ترغیبی	اظهاری	عاطفی	اعلامی
يَسْمَعُ آيَاتِ اللَّهِ تُتْلَى عَلَيْهِ ثُمَّ يُصِرُّ مُسْتَكْبِرًا كَأَن لَّمْ يَسْمَعْهَا فَبَشِّرْهُ بِعَذَابٍ أَلِيمٍ (۸)				۱		۱	
وَإِذَا عَلِمَ مِنْ آيَاتِنَا شَيْئًا اتَّخَذَهَا هُزُوًا. أُولَئِكَ لَهُمْ عَذَابٌ مُهِينٌ (۹)				۱	۱	۱	
مِنْ وَرَائِهِمْ جَهَنَّمُ وَلَا يُغْنِي عَنْهُمْ مَا كَسَبُوا شَيْئًا وَلَا مَا اتَّخَذُوا مِنْ دُونِ اللَّهِ أَوْلِيَاءَ وَلَهُمْ عَذَابٌ عَظِيمٌ (۱۰)				۱	۱		
هَذَا هُدًى وَالَّذِينَ كَفَرُوا بِآيَاتِ رَبِّهِمْ لَهُمْ عَذَابٌ مِنْ رَجْزِ أَلِيمٍ (۱۱)				۲		۱	
اللَّهُ الَّذِي سَخَّرَ لَكُمْ الْبَحْرَ لَتَجْزِيَ الْفُلُكُ فِيهِ بِأَمْرِهِ وَلِتَبْتَغُوا مِنْ فَضْلِهِ وَلَعَلَّكُمْ تَشْكُرُونَ (۱۲)				۱	۱	۱	
وَسَخَّرَ لَكُمْ مِمَّا فِي السَّمَاوَاتِ وَمِمَّا فِي الْأَرْضِ جَمِيعًا مِنْهُ إِنَّ فِي ذَلِكَ لَآيَاتٍ لِقَوْمٍ يَعْقِلُونَ (۱۳)				۱	۱	۱	
قُلْ لِلَّذِينَ آمَنُوا يَغْفِرُوا الَّذِينَ لَا يَرْجُونَ أَيَّامَ اللَّهِ لِيَجْزِيَ قَوْمًا بِمَا كَانُوا يَكْسِبُونَ (۱۴)				۲			
مَنْ عَمِلَ صَالِحًا فَلِنَفْسِهِ وَمَنْ أَسَاءَ فَلَعَلَّهَا تُمْ إِلَى رَبِّكُمْ تَرْجَعُونَ (۱۵)				۱	۳		
وَلَقَدْ آتَيْنَا بَنِي إِسْرَائِيلَ الْكِتَابَ وَالْحُكْمَ وَالتَّبُوءَ وَرَزَقْنَاهُمْ مِنَ الطَّيِّبَاتِ وَفَضَّلْنَاهُمْ عَلَى الْعَالَمِينَ (۱۶)				۱			
وَآتَيْنَاهُمْ بَيِّنَاتٍ مِنَ الْأَمْرِ فَمَا اخْتَلَفُوا إِلَّا مِنْ بَعْدِ مَا جَاءَهُمُ الْعِلْمُ بَيِّنًا يَنْبَهُمْ إِنَّ رَبَّكَ يَقْضِي بَيْنَهُمْ يَوْمَ الْقِيَامَةِ فِيمَا كَانُوا فِيهِ يَخْتَلِفُونَ (۱۷)				۱	۱		
ثُمَّ جَعَلْنَاكَ عَلَى شَرِيعَةٍ مِنَ الْأَمْرِ فَاتَّبِعْهَا وَلَا تَتَّبِعْ أَهْوَاءَ الَّذِينَ لَا يَعْلَمُونَ (۱۸)				۲	۱		
إِنَّهُمْ لَنْ يَغْنُوا عَنْكَ مِنَ اللَّهِ شَيْئًا وَإِنَّ الظَّالِمِينَ بَعْضُهُمْ أَوْلِيَاءُ بَعْضٍ وَاللَّهُ وَلِيُّ الْمُتَّقِينَ (۱۹)					۳		

آیه‌ها				کنش گفتاری جمله‌ها			
				ترغیبی	اظهاری	عاطفی	اعلامی
هَذَا بَصَائِرُ لِلنَّاسِ وَهُدًى وَرَحْمَةٌ لِّقَوْمٍ يُوقِنُونَ (۲۰)				۱		۱	
أَمْ حَسِبَ الَّذِينَ اجْتَرَحُوا السَّيِّئَاتِ أَنْ نَجْعَلَهُمْ كَالَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ سَوَاءً مِّمَّاهُمْ وَمِمَّا تَمْسَاءُ مَا يَحْكُمُونَ (۲۱)				۱		۱	
وَخَلَقَ اللَّهُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضَ بِالْحَقِّ وَلَيُجْزَىٰ كُلُّ نَفْسٍ بِمَا كَسَبَتْ وَهُمْ لَا يُظْلَمُونَ (۲۲)					۱		
أَفَرَأَيْتَ مَنِ اتَّخَذَ إِلَهَهُ هَوَاهُ وَأَصْلَهُ اللَّهُ عَلَىٰ عِلْمٍ وَخَتَمَ عَلَىٰ سَمْعِهِ وَقَلْبِهِ وَجَعَلَ عَلَىٰ بَصَرِهِ غِشَاءً فَمَنْ يَهْدِيهِ مِنْ بَعْدِ اللَّهِ أَفَلَا تَذَكَّرُونَ (۲۳)					۱	۱	
وَقَالُوا مَا هِيَ إِلَّا حَيَاتُنَا الدُّنْيَا نَمُوتُ وَنَحْيَا وَمَا نُهْلِكُنَا إِلَّا الدَّهْرُ وَمَا لَهُم بِذَلِكَ مِنْ عِلْمٍ إِنْ هُمْ إِلَّا يَظُنُّونَ (۲۴)					۱	۲	
وَإِذَا تَنَسَّلَىٰ عَلَيْهِمْ آيَاتُنَا نَيِّبَاتٍ مَا كَانُوا يَحْجَمُّونَ إِلَّا أَنْ قَالُوا اسْأَلُوا بَابِنَا إِن كُنْتُمْ صَادِقِينَ (۲۵)					۱		
قُلِ اللَّهُ يُخَيِّصُكُمْ ثُمَّ يَمْيتُكُمْ ثُمَّ يُجْمَعُكُمْ إِلَىٰ يَوْمِ الْقِيَامَةِ لَا رَيْبَ فِيهِ وَلَكِنَّ أَكْثَرَ النَّاسِ لَا يَعْلَمُونَ (۲۶)				۱		۱	
وَلِلَّهِ مُلْكُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ وَيَوْمَ تَقُومُ السَّاعَةُ يُومِنُ بِحُسْرٍ الْبَاطِلُونَ (۲۷)				۱	۱		
وَتَرَىٰ كُلَّ أُمَّةٍ جَاثِيَةً كُلُّ أُمَّةٍ تُدْعَىٰ إِلَىٰ كِتَابِهَا الْيَوْمَ تُجْزَوْنَ مَا كُنْتُمْ تَعْمَلُونَ (۲۸)				۱	۱		
هَذَا كِتَابُنَا يُنْطَقُ عَلَيْكُمْ بِالْحَقِّ إِنَّا كُنَّا نَسْتَنْسِجُ مَا كُنْتُمْ تَعْمَلُونَ (۲۹)				۱	۱		
فَأَمَّا الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ فَيُدْخِلُهُمْ رَبُّهُمْ فِي رَحْمَتِهِ ذَلِكَ هُوَ الْفَوْزُ الْمُبِينُ (۳۰)				۲	۱		
وَأَمَّا الَّذِينَ كَفَرُوا أَفَلَمْ تَكُنْ آيَاتِي تَسْلَىٰ عَلَيْكُمْ فَلَا تُسْكِرْ تُمْ وَكُنْتُمْ قَوْمًا مُّجْرِمِينَ (۳۱)						۱	

آیہا				کنش گفتاری جملہا			
				ترغیبی	اظہاری	عاطفی	اعلامی
وَإِذَا قِيلَ إِنَّ وَعْدَ اللَّهِ حَقٌّ وَالسَّاعَةُ لَا رَيْبَ فِيهَا قُلْتُمْ مِمَّا نَدْرِي مَا السَّاعَةُ إِنْ نَظُنُّ إِلَّا ظَنًّا وَمَا نَحْنُ بِمُسْتَغْنِينَ (۳۲)				۱	۱		
وَبَدَأَهُمْ سَيِّئَاتٍ مَا عَمِلُوا وَخَاقٍ بِهِم مَّا كَانُوا بِهِ يَسْتَهْزِئُونَ (۳۳)					۱		
وَقِيلَ الْيَوْمَ نَنسَاكُمْ كَمَا نَسِيتُمْ لِقَاءَ يَوْمِكُمْ هَذَا وَمَأْوَاكُمُ النَّارُ وَمَا لَكُم مِّن تَاصِرِينَ (۳۴)				۱	۱		
ذَلِكُمْ بِأَنكُم اتَّخَذْتُمْ آيَاتِ اللَّهِ هُزُوًا وَعَرَيْتُمْ الْحَيَاةَ الدُّنْيَا فَأَلْيَوْمَ لَا يُخْرِجُونَ مِنْهَا وَلَا هُمْ يُسْتَعْتَبُونَ (۳۵)				۱	۱		
فَلِلَّهِ الْحَمْدُ رَبِّ السَّمَاوَاتِ وَرَبِّ الْأَرْضِ رَبِّ الْعَالَمِينَ (۳۶)						۱	
وَلَهُ الْكِبَرِيَاءُ فِي السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ وَهُوَ الْعَزِيزُ الْحَكِيمُ (۳۷)				۱		۱	



نتیجه‌گیری

باید اذعان داشت زبان‌شناسی و کاربرد شناسی زبان و نظریه‌های مطرح در آن از جمله نظریه کنش‌های گفتاری می‌تواند در معناشناسی و تحلیل گفتمان متون دینی همچون قرآن به‌عنوان یک گفتمان دینی و مذهبی دورنمای جدیدی فرا روی ما قرار دهد. با تحلیل کنش گفتاری که بر روی سوره جاثیه بر مبنای دسته‌بندی سرل از کنش‌های گفتار صورت گرفت، مشخص گردید به لحاظ آموزشی هرگاه مطلبی به طور غیرمستقیم به مخاطب گفته شود، تأثیر آن بیشتر از هنگامی است که به طور مستقیم آن مطلب بیان شود و مخاطب به انجام آن تشویق می‌شود؛ بنابراین بعضی آیات به طور غیرمستقیم و ضمنی دارای کنش‌های مختلفی هستند. خداوند برای جلب توجه مردم و ترغیب آنان به گوش‌فرادادن به دستورات خود بارها از کنش ترغیبی در این سوره استفاده نموده است. طبیعی است که هر گوینده‌ای برای اینکه مخاطب خود را به تداوم گوش‌دادن تشویق و ترغیب نماید، چنین کنشی را در کلام خود به کاربرد؛ علاوه بر این، ضرورت چنین کاربردی - باتوجه‌به اینکه مخاطب غافل و نادان است - به‌خوبی قابل درک است.

کنش ترغیبی باهدف و مقصود سوره متناسب و هماهنگ است و بدیهی است که بیشترین تکرار را داراست. در بعضی آیات با هشدار، نصیحت یا موعظه به برخی رفتارها اشاره دارد که انجام یا ترک آنها برای انسان الزامی است و جایز نیست از آنها سرپیچی کرد و نیز رفتارهایی که برای انسان فضیلت و ارزش معنوی بسیار می‌آورد؛ تمامی این موارد دربردارنده کنش ترغیبی است. کنش اظهاری پس از کنش ترغیبی بیشترین بسامد را در این سوره دارد. بیان یکتا بودن خداوند، حقایق جهان هستی، بیان شگفتی‌های آسمان و زمین، اخبار اقوام گذشته و همچنین روشنگری، آگاهی بخشیدن به مردم، تأکیدات و توصیفات؛ همه این موارد در قالب کنش اظهاری صورت می‌گیرد.

کنش عاطفی پس از کنش اظهاری بسامد بیشتری دارد که نشان‌دهنده درک عمیق خداوند

متعال نسبت به مردم و به عبارتی قدرت مخاطب‌شناسی است و خداوند با این کنش تأثیر بیشتری بر آنها گذاشته و وجدان خفته‌شان را بیدار ساخته است. لازم به ذکر است فقط در آیه دوم از آنجا که آشکارا به نزول قرآن از جانب خداوند عزیز و حکیم اشاره شده است، کنش اعلامی به کاررفته است و کمترین بسامد را دارد. در این سوره کنش تعهدی دیده نمی‌شود؛ زیرا هیچ‌گونه افعالی که دربردارنده سوگند، تعهد، قول دادن، توجیه، ضمانت کردن، قراردادی و موافقتی باشند، در این سوره مشاهده نمی‌شود.

منابع و مأخذ

۱. آلام، کر (۱۳۸۲)، نشانه‌شناسی تئاتر و درام، ترجمه فرزانه سجودی، تهران: قطره
۲. انصاریان، حسین (۱۳۸۳) ترجمه قرآن کریم، چاپ اول، قم: انتشارات اُسوه
۳. ایشانی، طاهره؛ نعمتی قزوینی معصومه (۱۳۹۳)، تحلیل خطبه حضرت زینب (علیها السلام) بر اساس نظریه کنش گفتارسرل، مطالعات قرآن و حدیث سفینه، سال دوازدهم، شماره ۴۵. (ص ۲۵-۵۱)
۴. بیستونی، محمد (۱۳۸۸)، تفسیر جوان، مشهد: به نشر
۵. پهلوان نژاد، محمدرضا؛ رجب زاده مهدی (۱۳۸۹) تحلیل متن‌شناسی زیارتنامه حضرت رضا(ع) بر پایه نظریه کنش گفتار، مطالعات اسلامی: فلسفه و کلام. سال چهل و دوم، شماره پیاپی ۲ / ۸۵ پاییز و زمستان صص ۳۷-۵۴
۶. راغب اصفهانی، حسین بن محمد، المفردات فی غریب القرآن، بیروت؛ دار العلم، ۱۴۱۲ق
۷. سرل، جان (۱۳۸۵)، افعال گفتاری، ترجمه علی عبداللّهی، چاپ اول، قم: پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی
۸. صفوی، کوروش (۱۳۸۷)، درآمدی بر معناشناسی، چاپ سوم، تهران: پژوهشگاه فرهنگ و هنر اسلامی
۹. طباطبایی، سید محمدحسین (۱۳۷۴)، تفسیر المیزان ترجمه سید محمد باقر موسوی همدانی، چاپ پنجم، قم: انتشارات جامعه مدرسین، حوزه علمیه قم
۱۰. طبرسی، فضل بن حسن (۱۳۵۹)، مجمع البیان فی تفسیر القرآن؛ ترجمه و نگارش از احمد بهشتی، تصحیح و تنظیم موسوی دامغانی، قم؛ ناشر: فراهانی.
۱۱. فضائلی، مریم؛ نگارش، محمد (۱۳۹۰)، تحلیل خطبه پنجاه و یکم نهج البلاغه بر اساس طبقه بندی سرل از کنش گفتاری، مشهد: انتشارات دانشگاه فردوسی

۱۲. قرشی، سید علی اکبر (۱۳۷۷)، تفسیر احسن الحدیث، چاپ سوم، تهران: بنیاد بعثت
۱۳. مکارم شیرازی، ناصر و همکاران (۱۳۵۳)، تفسیر نمونه، تهران: دارالکتب الاسلامیه
۱۴. فیض کاشانی، ملا محسن (۱۴۱۵)، تفسیر صافی، تحقیق حسین اعلمی، تهران: انتشارات صدر

۱۵. یارمحمدی، لطف الله (۱۳۸۵)، گفتمان شناسی رایج انتقادی، تهران، سمت

16. Botha j. j. E. (1991) *Speech Act Theory and New Testament Exegesis*.
HTS 47
17. Searle, j. R (1983) *pragmatics*, , cambridge university -press
18. Searle, j. R (1999). *Speech acts: An Essay in the -hiloso-hy of Language*.
New York and Melbourne: cambridge university -ress
19. Sbisam. "2002' *Speech Acts in Context*" , *Language and communication*.
20. Yule G.(1996). *-ragmatics*. Oxford university -ress. New York